

کتابخانه مرکزی، مرکز اسناد
و تامین منابع علمی



کتابخانه مرکزی
Central Library
Tehran University
درباره

اساسنامه

حزب رستاخیز ملت ایران

نشریه شماره ۹

کمیته آموزش سیاسی



از انتشارات
روابط عمومی حزب رستاخیز ملت ایران

هر کس در زندگی به چیزی اعتقاد دارد و هدفی هم برای خود تعیین کرده است. کسی که هدف دارد برای خود فکر میکند و طرحی میریزد که چگونه باین هدف برسد. اگر هدف زندگی بهتر باشد از پیش تصمیم میگیرد بیشتر و بهتر کار کند. کارگر تلاش میکند تا تولید بیشتری داشته باشد و کالاهای مرغوبتر به بازار تسلیم دارد. خانم خانه‌دار دنبال صرفه‌جویی و استفاده از وقت اضافی در یک کار مثل خیاطی یا بافندگی می‌گردد و بالاخره هر کس برای رسیدن به هدف خود که بهتر زندگی کردن است شالوده‌ای رامیریزد که در خاطر خود او نقش مینندد. وقتی يك عده‌ای دور هم جمع میشوند که مثلاً انجمن محلی یا انجمن ادبی یا شرکت تجارتي

یا یک تعاونی روستائی تشکیل بدهند اینها هم اولاً اعتقادات مشترکی دارند و بعد هم یک هدف مشترک دارند و برای اینکه خود را آماده رسیدن به این هدف بکنند شالوده‌ای برای کار خود میریزند. این اساس را که مربوط به یک دسته است و دیگر جنبه فردی ندارد روی کاغذ می‌آورند و مینویسند و اسمش را میگذارند اساسنامه آن انجمن یا آن شرکت.

در مورد حزب هم همینطور است، عده‌ای عضویت یک حزب را قبول میکنند، به آرمانهایی معتقد هستند و هدف‌هایی هم دارند که باید برای رسیدن به آن هدفها آماده بشوند. چون این اعتقادات خیلی برای حزب و اعضای آن مهم است آنرا روی کاغذ می‌آورند و آنرا مرامنامه مینامند در ضمن آن شالوده سازمانی را هم که باید افراد بر اساس آن فعالیت کنند تا به هدف خود برسند تنظیم میکنند و مینویسند و آنرا اساسنامه میخوانند که مورد قبول همه است. پس هر حزبی معمولاً یک مرامنامه دارد و یک اساسنامه. مقصود ما از این نوشته آنست که اساسنامه

حزب رستاخیز ملت ایران را که مربوط به همه مردم ایران زمین است برای آنهایی که تاکنون آن اساسنامه را نخوانده‌اند یا اگر هم خوانده‌اند همه آنرا کاملاً متوجه نشده‌اند توضیح بدهیم .

حزب هم در حکم يك ساختمان است و احتیاج به پایه و ستون دارد. رکن کلمه ایست بمعنای پایه و ستون و ارکان هم یعنی پایه‌ها و ستون‌های حزب. پس وقتی می‌خواهیم از حزب صحبت کنیم ، طبیعی است که اول از پایه‌ها و ستونهای آن صحبت میکنیم. حزب ۵ رکن دارد که يك يك آنها را بشما معرفی میکنیم. کنگره مهمترین ستون حزب است . اینکه میگوئیم مهمترین ستون است برای آنست که نماینده‌های همه اعضای حزب در آن جمع میشوند. اگر بمن و شما میگویند عضو حزب، ما باید از خود پرسیم که چه تاثیری میتوانیم در کارهای اصولی حزب و انتخاب ارکان حزب داشته باشیم، جواب این سؤال اینست که هر چهار سال یکبار به ما حق و اجازه داده شده و حتی میشود گفت بما تکلیف شده

است که اگر عضو يك كانون حزبی هستیم یکنفر
نماینده یعنی يك نفر که فکرش بازتر و بهتر است
و خوبتر میتواند نظریات انتخاب کنندگان را تشریح
کند و علاقه و جوش و خروش هم دارد و نشان داده
است که آدم خوب و با فضیلتی هم هست انتخاب
کنیم. این نماینده با نماینده کانونهای دیگر دورهم
جمع میشوند، و بازیکعده را از بین خودشان انتخاب
میکنند و اینها از همه مملکت يك جا جمع میشوند،
چندین هزار نفر آدم با فکر و علاقمند که صدای
آنها صدای من و شما و همه مردمی است که در
کانونهای حزبی هستند گرد هم میآیند. کنگره جایی
است که این نمایندهها جمع میشوند، حرف میزنند
و تصمیم میگیرند، راجع به کارهای خیلی مهم حزب
این عده نظر میدهند و تصمیم میگیرند .

بد نیست بدانید که هر هزار نفر عضو کانون
یکنفر را به کنگره میفرستند یعنی اگر در ایران حالا
مثلاً يك میلیون نفر عضو کانون داشته باشیم ۱۰۰۰
نفر در کنگره شرکت میکنند .

حال که کنگره را شناختیم باید بدانیم وظیفه آن چیست، چه کارهای مهمی بدست کنگره انجام میشود. قبلاً گفتیم که يك حزب مرانامه و اساسنامه دارد اما مطالبی که در مرانامه و اساسنامه هست همیشه کافی نیست، غیر از سه اصل که در حزب رستاخیز تغییر نمیکند یعنی اعتقاد داشتن و احترام گذاشتن به نظام شاهنشاهی، قانون اساسی انقلاب شاه و مردم بقیه مطالب ممکن است تغییر کنند. این کنگره است که تغییرات مرانامه و اساسنامه را انجام میدهد و با اصطلاح آنها را اصلاح میکند و سازگار با شرایط زمان میسازد.

کار دیگر کنگره اینست که دبیر کل حزب را انتخاب میکند. دبیر کل که خواهیم دید بخودی خود يك پایه و ستون حزب است در واقع کارهای حزب را با کمک همکارانش انجام میدهد و حزب را اداره میکند. این دبیر کل را باید اعضای حزب انتخاب کنند چون همه اعضا نمیتوانند در انتخاب دبیر کل مداخله کنند کنگره که نماینده آنهاست این کار را انجام می دهد.

برای اینکه وظیفه دیگر کنگره را برای شما روشن کنیم از يك کارخانه یا يك مزرعه مثل میزنیم در يك کارخانه غیر از جریان کار روزانه يك سلسله حرفهای عمده دیگری هم هست که مثلاً خوبست این کارخانه نساجی چه نوع پارچه بیافد ، چه نوع پارچه بازار بهتر دارد یا مواد اولیه اش کم و گران نمیشود ، یا در مزرعه همینطور . اینکه چه نوع کشت و کاری بشود بهتر است ، چه نوع آبیاری ارزانتر و بهتر تمام میشود این حرفها را که راه کار را برای استاد کاران و کارگران یا کشاورزان و مهندسان کشاورزی روشن میکنند سیاست های کار و راه و روشهای کار میگویند . حزب هم سیاستها و راه و روشهایی دارد که باید معلوم شود . باز این کنگره است که بعنوان نماینده من و شما و سایر اعضای حزب این سیاستها و برنامه هارا تعیین میکنند . بالاخره میدانیم که وقتی کنگره تشکیل میشود دبیر کل باید به کنگره گزارش دهد که در مدتی که دبیر کل حزب بوده است چه کرده ، چه قدمهایی برداشته و چه

پیروزی‌هایی در رسیدن به هدف‌های حزب بدست آورده است، بعلاوه دبیر کل با تجربه چندساله اش پیشنهادهایی برای کنگره دارد. کار دیگر کنگره اینست که نسبت به این گزارش که دبیر کل میدهد و پیشنهادهایی که میکند رسیدگی کند، نظر خودش را بدهد و تصمیم بگیرد که پیشنهادهای دبیر کل را قبول یا رد کند.

همه خوب میدانیم که وقتی يك جلسه، انجمن یا کنگره مثلاً مجلس ریش سفیدان روستا تشکیل میشود اگر قبل از تشکیل جلسه ندانند چه میخواهند بگویند وقت جلسه تلف میشود هر کس از دری صحبت میکند و راجع بموضوعی داد سخن میدهد. پس باید از پیش معلوم باشد راجع به چه چیزهایی در کنگره حرف زده میشود. این را میگویند دستور جلسه. پس دستور کنگره هم باید از پیش معلوم باشد. دستور کنگره را دبیر کل پیشنهاد و هئیت اجرائی حزب تصویب میکند اما اگر عده‌ای از اعضای کنگره که کمتر از یکدهم اعضا نباشند بخواهند مطلب دیگری را هم در دستور کنگره قرار دهند میتوانند نظر خود

را اعلام کنند . حال سئوالی پیش میآید که وقتی همه اعضای کنگره و نمایندگان من و شما و سایر اعضای کانونها در يك جا جمع شدند چه باید بکنند تکلیف اینست که اول یکنفر که سنش از همه بیشتر است بعنوان رئیس سنی جلسه موقتاً جلسه را اداره میکند . بعد از بین کسانی که در کنگره حضور دارند يك رئیس، دو نایب رئیس و دو منشی انتخاب میکنند و از آن بعد این هیئت هستند که کنگره را اداره میکنند . فرض کنیم از استانها و شهرستانهای مختلف عدهای معرفی شده اند که در کنگره شرکت کنند عدهای دیر رسیده اند یا در جلسه حاضر نشده اند آیا برای تشکیل جلسه کنگره باید همه اعضا حاضر باشند ؟ جواب منفی است دو سوم آنها که حاضر باشند کافیت و اگر عده حاضر بخواهند راجع به کاری تصمیم بگیرند اکثریت نصف بعلاوه يك کافیت اما تنها در مورد يك کار مهم یعنی تغییر مواد مرامنامه یا اساسنامه اکثریت بیشتری باید رأی بدهند تا تغییر پیدا شود این اکثریت دو سوم کل اعضای کنگره است نه عده

حاضر در جلسه . اگر فرض کنیم ۱۲۰ نفر کل اعضای کنگره باشند ۸۰ نفر که در جلسه حاضر باشند جلسه رسمیت پیدا میکند برای تصمیم گرفتن در مورد کارهای عادی در این جلسه ۴۱ نفر که رای مثبت بدهند کافیست اما اگر اساسنامه را بخواهند تغییر بدهند باید همه ۸۰ نفر رای بدهند چون دوسوم کل اعضاء باید رای مثبت بدهند تا اساسنامه تغییر کند .

مطلب دیگری که بد نیست درباره کنگره بدانید اینست که بطور عادی کنگره ۴ سال یکبار تشکیل میشود اما هر گاه موضوع مهمی پیش بیاید که لازم باشد کنگره زودتر تشکیل شود، هیئت اجرایی حزب به دبیر کل اعلام میکند و دبیر کل هم کسانی را که در آخرین کنگره حزب شرکت کرده بودند دعوت میکند که دور هم جمع شوند و کنگره فوق العاده را تشکیل بدهند یعنی دیگر برای این کنگره انتخابات نمیکند .

تا اینجا یکی از ستونها و رکنهای حزب را شناختیم . رکن دیگر شورای مرکزی است برای

اینکه شورای مرکزی را بشناسیم باید يك مقدمه کوتاه بگوئیم . کلمه شورا را بخصوص در اسم مجلس شورای ملی زیاد شنیده اید، هر جا عده ای برای مشورت کردن با یکدیگر جمع بشوند به آن شورا میگویند . شورای مرکزی هم مثل کنگره جائست که در واقع نمایندگان اعضای فعال حزب در آن جمع میشوند ولی فرق عمده آن با کنگره اینست که کنگره هر چهار سال یکبار تشکیل میشود ولی شورای مرکزی سالی دوبار ضمن اینکه ممکن است بطور فوق العاده هم بدرخواست دبیر کل یا به دعوت رئیس شورا تشکیل شود فرق دیگر اینست که کنگره در واقع از نمایندگان کانونها تشکیل میشود ولی شورای مرکزی از نمایندگان شوراها . پس اگر بخواهیم شورای مرکزی را بشناسیم باید شوراهاى حزبی را قبلاً شناخته باشیم . اگر دقت کنیم وقتی چند میلیون ایرانی در کانونهای حزبی که گاهی از صد نفر به بالا تشکیل میشود جمع بشوند اگر این افراد بخواهند در کارهای محل و شهر و روستای خود

تأثیر داشته باشند ممکن نیست چون عده اینها بسیار زیاد است ، پس باید برای اینکار اعضای کانونها نمایندگانی انتخاب کنند تا آنها در يك شورا جمع شوند و به کارهای حزبی و محلی و منطقه‌ای خود رسیدگی کنند. همانطور که در روستاها کانون حزبی داریم شورای روستا هم داریم. چون هر چند تاروستای کشور جزء يك بخش هستند شورای بخش داریم. همینطور چون کانون شهری داریم شورای شهر هم داریم و چون بخش‌ها و شهرها جزء شهرستان و شهرستانها جزء استان هستند شورای شهرستان و استان نیز داریم .

حال که خیلی مختصر شوراها را شناختیم باید بدانیم که شوراهای بخش از نمایندگان شوراهای روستا تشکیل میشوند ، شوراهای شهر و بالاخره شوراهای شهرستان و استان نمایندگان خود را انتخاب میکنند تا در شورای مرکزی جمع شوند . این نمایندگان هر بار که انتخاب بشوند تا دو سال عضو شورای مرکزی هستند .

پیش از آنکه بیشتر به معرفی این رکن حزب
بپردازم این اشاره لازم است که يك عضو ساده کانون
که ابتدا به نمایندگی کانون در شورای روستا یا
شهر شرکت میکند و بعد بتدریج نماینده استان میشود
ممکن است بالاخره از استان در شورای مرکزی
شرکت کند، پس هر يك از ما ممکن است اگر
بخواهیم و فعالیت کنیم در چنین وضعی قرار بگیریم.
بنابراین این عضویت کانون و فعال بودن شرط اینست
که ما بتوانیم با رای خود در شوراها در سرنوشت
کارها موثر باشیم (چه کارهای حزبی و چه کارهای
محلی و مملکتی). شورای مرکزی هم مثل کنگره
باید بوسیله يك عده اداره شود که به آنها هیئت رئیسه
میگویند. هیئت رئیسه عبارتست از: يك رئیس دو
نایب رئیس و دو منشی که در اولین شورا برای مدت
دو سال انتخاب میشوند.

باشناختن شورای مرکزی و وظائف آنرا شرح
میدهم. یکی از کارهای شورای مرکزی اینست که
آئیننامه‌های حزب را تصویب کند. هر قدر يك اساسنامه

که قبلاً راجع به آن صحبت کردیم کامل باشد باز نمیتواند به همه جزئیات برسد. بنابراین باید نوشته دیگری باشد که حزب از روی آن عمل کند. به چنین نوشته‌ای آئیننامه میگویند و بسیاری از آئیننامه‌های حزب را شورای مرکزی باید تصویب کند.

شورای مرکزی همانطور که از اسمش برمیآید طرف مشورت دبیر کل حزب یا دفتر سیاسی هم ممکن است واقع شود و هر وقت این رکنها بخواهند میتوانند موضوعی را از شورای مرکزی سؤال کنند یا پیشنهادی بکنند و شورا آن سؤال را جواب میدهد یا در باره آن پیشنهاد اظهار نظر میکنند و تصمیم میگیرد.

وظیفه دیگر شورای مرکزی اینست که به امور شوراهای پائین‌تر یعنی شورای استان و شهرستان و غیره رسیدگی کند. قبلاً مختصری راجع به سیاست‌ها و برنامه‌های حزب شرح دادیم، وظیفه دیگر شورای مرکزی هم اظهار نظر در باره این سیاستها و برنامه‌های حزبی است از اینها که بگذریم مهمترین کارشورا اینست که از میان اعضای خود عده‌ای را

انتخاب کند که در حقیقت ستون دیگر حزب را تشکیل
میدهند و نام اجتماع آنها هیات اجرائی راست .
معلوم است هر قدر افراد خوب فکر بکنند و
در مشورت با هم راست گو و صمیمی باشند این
فکرها و مشورتها آخر باید وسیله يك کسانی اجرا
شود ، باید عده کمتری که زود بزود می توانند دور
هم جمع شوند بر کارها نظارت داشته باشند و آنچه
در شورای مرکزی گفته شده مورد عمل قرار دهند.
این کارها کار هیات اجرائی است باین ترتیب بار کن
دیگر حزب که هیات اجرائی است آشنا میشویم .
همانطور که گفتیم شورای مرکزی از میان
اعضای خود ۵۵ نفر را انتخاب میکند به این ۵۵ نفر
دبیر کل و قائم مقام های دبیر کل اضافه میشوند و این
عده هیات اجرای را تشکیل میدهد . هیات اجرائی
نیز که حداقل ماهی یکبار تشکیل جلسه میدهد احتیاج
بچند نفری دارد که امور آنرا اداره کنند این چند نفر
عبارتند از يك رئیس ، دو نایب رئیس و دو منشی .
ظاهراً آنطور که از اساسنامه معلوم میشود اعضای

هیات اجرائی، رئیس را میتوانند از بین هیئت اجرائی یا از خارج از آن انتخاب کنند، همینکه عضو حزب باشد کفایت اما دو نفر نایب رئیس و دو منشی باید از میان خود هیات اجرائی انتخاب شوند.

باید اضافه کنیم که هیئت رئیسه اجرائی برای یکسال انتخاب میشوند. گفتیم که هیات اجرائی ماهی یکبار تشکیل میشود ولی اگر موجباتی فراهم شود که لازم باشد این هیات زودتر یک جلسه فوق العاده تشکیل بدهد با دعوت رئیس یا قائم مقام دبیر کل این جلسه تشکیل میشود البته اگر حداقل ۲۰ نفر از اعضای هیات اجرائی هم مصلحت بدانند که جلسه فوق العاده هیئت تشکیل شود این کار انجام میشود.

در گذشته گفتیم که اعضای هیات اجرائی را جز دبیر کل حزب و قائم مقام های او شورای مرکزی انتخاب میکند، این هیات بکار خود ادامه میدهد تا شورای مرکزی جدید تشکیل شود وقتی بعد از دو سال شورای مرکزی تشکیل شد دوره هیات اجرائی خود بخود خاتمه یافته است و باید دوباره اعضای

هیات اجرائی جدید از طرف شورای مرکزی انتخاب
شوند .

پس از شناختن این ستون مهم حزب باید وظائف
آنها هم بشناسیم .

بیش از این گفتیم که کنگره و شورای مرکزی
که دو رکن ازار کان حزب هستند تصمیماتی میگیرند
هیات اجرائی وظیفه دارد مراقبت و نظارت کند که
این تصمیمات اجرا شود، بعلاوه همانطور که شورای
مرکزی تعدادی آئین نامه تصویب میکند بعضی
آئین نامه ها را هم هیات اجرائی باید تصویب کند
بعلاوه بعضی موضوعات را دبیر کل یا دفتر سیاسی
حزب که اینها نیز دو رکن دیگر حزب هستند به هیات
اجرائی میفرستند که هیات اظهار نظر کند بنابراین
وظیفه هیات اجرائی هم همین اظهار نظر است .
وقتی از کنگره صحبت می کردیم گفتیم که
دستور کار کنگره باید قبلاً معین باشد تصمیم در باره
دستور کنگره هم از وظائف هیات اجرائی است .
وظیفه دیگر هیات اجرائی آنست که ۱۰ نفر

را از بین خود برای عضویت دفتر سیاسی انتخاب کند راجع به این دفتر که رکن دیگر حزب است بعداً صحبت خواهیم کرد .

اما يك وظیفه هیات اجرائی در کمال اهمیت است ، وظیفه‌ای که برای همه مردم مهم است زیرا مردم علاقه دارند برای مجلس شورایملی و سنا و انجمن‌های شهر و شهرستان و استان افسراد صالح انتخاب کنند، اگر نامزد انتخاب شدن صلاحیت نداشته باشد مردم ممکن است بی‌خبر بمانند و او را انتخاب کنند . پس وقتی عده‌ای داوطلب میشوند که مثلاً برای نمایندگی مجلس شورایملی انتخاب شوند اول يك صافی قرار میدهند و این عده را در آن صافی میریزند و آنهایی را که بیشتر صلاحیت دارند انتخاب و بمردم معرفی میکنند . این يك وظیفه مهم هیات اجرائی است که در باره نامزدهای انتخابات بررسی و تحقیق کنند، و نتیجه تحقیق خود را بمردم اعلام نمایند .
گفتیم هیئت اجرائی اعضای دفتر سیاسی را انتخاب میکند، هیات اجرائی هر مسئله‌ای را که لازم

بداند از دفتر سیاسی می‌خواهد که بآن مسئله رسیدگی کند.

یکی دیگر از وظائف و اختیارات هیات اجرائی اینست که برای رسیدگی بمسائل ملی و عمومی کمیته‌هائی تشکیل بدهد، پرواضح است که اعضای هیات اجرائی متخصص در همه کارها نیستند و اگر هم هر کدام تخصصی داشته باشند بیفایده است اگر يك کار تخصصی پیش بیاید باید يك کمیته تخصصی تشکیل بشود و آن کار را رسیدگی کند. بعلاوه هیات اجرائی يك کمیسیون نظارت هم تشکیل میدهد که کارهای حزب را زیر نظر داشته باشد. البته این کمیسیون حق مداخله در کارها را ندارد اما اگر از نابسامانی یا اشکالی در يك گوشه حزب اطلاع پیدا کند گزارش آنرا به هیات اجرائی میدهد بالاخره میدانیم که هر جا يك کار مداوم و يك سازمان مشخصی بوجود میاید موضوع بودجه نیز مطرح میشود که درآمد و هزینه این سازمان چقدر است، همینطور باید معلوم شود که در این سازمان چند نفر برای چه

کارهایی لازم است بعبارت دیگر چنین واحدی باید
تشکیلاتی داشته باشد و پیدا است هر جا کار مالی
باشد باید حسابهایش مورد رسیدگی قرار بگیرد پس
هیات اجرائی وظیفه‌های دیگری هم جز آنچه گفتیم
دارد. یعنی باید بودجه حزب را تصویب کند،
تشکیلات حزب را رسیدگی کند و مورد قبول قرار
دهد و بعد هم برای حزب حسابرسی تعیین کند. باین
ترتیب کار شناختن هیات اجرائی هم پایان گرفت،
حال باید دفتر سیاسی را بشناسیم که آن نیز
رکن دیگر حزب است و قبلاً گفتیم چطور بوجود
می‌آید. یعنی هیات اجرائی ۱۰ نفر از بین خود برای
تشکیل دفتر سیاسی انتخاب میکند البته دفتر سیاسی
از همان ۱۰ نفر تشکیل نمیشود بلکه عده دیگری هم
بسبب شغلی که دارند در دفتر سیاسی عضویت پیدا
میکنند این عده عبارتند از نخست‌وزیر و چند وزیر.
انتخاب نخست‌وزیر بعلاوه دبیر کل و قائم مقام‌های
او و دو نماینده از مجلس شورایی ملی و مجلس سنا که
این عده کلاً نباید از ۱۴ نفر تجاوز کنند در نتیجه

عده اعضای دفتر سیاسی با محاسبه ۱۰ نفر که هیات اجرائی انتخاب میکند حداکثر ۲۴ نفر خواهد بود. نظر باینکه وظیفه مهم این دفتر ایجاد رابطه و هم آهنگی بین حزب و دولت است ریاست آن با نخست وزیر است اما غیر از رئیس، نائب رئیس و دومنشی را اعضای دفتر سیاسی برای مدت یکسال انتخاب میکنند.

دفتر سیاسی هم مانند هیات اجرائی دست کم ماهی یکبار تشکیل جلسه میدهند و ممکن است جلسه فوق العاده هم داشته باشد.

پنجمین و آخرین رکن حزب دبیر کل است که گفتیم از طرف کنگره انتخاب میشود. دیدیم که کنگره شورای مرکزی، هیات اجرائی و دفتر سیاسی هر کدام تصمیماتی میگیرند، راهی را که حزب باید برود نشان میدهند. اما این تصمیمات باید اجرا شود باید کسی باشد که مسئولیت اجرای این تصمیمات و گردش امور حزب را بپذیرد این شخص دبیر کل است که البته به تنهایی نمیتواند از عهده

کاری باین عظمت برآید و ناچار تعدادی قائم مقام
و معاون و یک عده همکار در سطح‌های مختلف دارد.
در حزب هم خود بخود مثل هر سازمان دیگری
کارها بین واحدهائی تقسیم شده است و هر واحد یک
مسئول دارد ولی همه اینها زیر نظر دبیر کل انجام
وظیفه میکنند.

روشن است که وظیفه اولیه دبیر کل اینست
که علاوه بر انتخاب همکاران سازمان حزب را بدهد
این سازمان دو قسمت میشود یکی در مرکز تشکیل
میشود و به آن میشود گفت ستاد حزب و یکی هم
واحدهای حزب در استانها، شهرستانها، شهرها،
بخش‌ها و در روستاهاست و هر جا یک دبیر دارد این
دبیرها هر کدام زیر نظر دبیر بالاتر قرار دارند مثلاً
دبیر روستا زیر نظر دبیر بخش قرار دارد و دبیر استان
زیر نظر دبیر کل کار میکند.

با آنچه که گفته شد تقریباً ارکان را شناختیم.
اما اگر ارکان حزب ستونهای حزب باشند این
این ستونها و بنای حزب احتیاج به مصالحی دارد

و این مصالح «کانون»ها هستند. اگر «کانون» نباشد و مردم در کانون جمع نشوند کنگره‌ای وجود نخواهد داشت. وقتی کنگره نبود دبیر کل انتخاب نمیشود، کانون که نباشد شوراها بوجود نمایند چون شورا همانطور که گفتیم از نماینده‌های کانونها تشکیل میشود. پس مصالح اولیه و عمده ساختمان حزب «کانون» است. از کانون که بگذریم که در واقع يك واحد تشکیلاتی است باین معنی که برای داشتن حزب باید کانون داشته باشیم، به شوراها میرسیم قبلاً هم وقتی از شورای مرکزی سخن میگفتیم اشاره کردیم که در هر جا تعدادی کانون بوجود میاید يك شورای حزبی هم از نمایندگان کانونها تشکیل میشود البته هنوز تا وقتی این نوشته را تهیه میکنیم شورا تشکیل نشده ولی بزودی این شوراها هم بوجود میآید پس اگر دقت کنیم در هر گوشه از يك مملکت در هر روستا یا بخش یا شهرستان يك سه گوش یا مثلث حزبی بوجود میاید که يك گوشه آن کانون است يك گوشه شورا و يك گوشه دبیر و اینها با همکاری هم

حزب را تشکیک می‌دهند و اداره می‌کنند. در اساسنامه راجع به شوراها خیلی مطلب گفته شده و باز هم چیزهایی گفتنی بوده است که در اساسنامه نیامده و در آئیننامه کانونها و شوراها ذکر شده است و اگر بخواهیم مطالب بیشتری راجع به کانونها و شوراها بدانیم باید آن آئیننامه‌ها را بخوانیم شاید بتدریج آئیننامه‌ها را هم بهمین ترتیب برای شما شرح بدهیم.

غیر از آنچه گفته شد در اساسنامه مطلب مهم دیگری ذکر شده است باین توضیح که اگر کانونها مصالح عمده ساختمان حزب هستند تازه خود کانونها هم از یک عده عضو کانون تشکیل میشود پس باید بدانیم چه کسانی میتوانند عضو کانون حزبی باشند چه شرطی باید داشته باشند معلوم است کسی که ایرانی نباشد با وجود اینکه در ایران زندگی میکند عضو حزب نیست و عضو کانون هم نمیتواند باشد.

یعنی شرط عضویت در حزب تابعیت ایرانی است و همچنین اعتقاد به آن سه اصل پایه که در حقیقت هویت واقعی ایرانی است. کسانی که سن آنها به هجده

سال نرسیده است نمیتوانند مستقیماً عضو کانونها بشوند البته دانش آموزان يك سازمان تشکیل داده اند که وابسته بحزب است و اما برای عضویت در کانون هیجده سال سن لازم است غیر از دانش آموزان هم هر کس کمتر از هیجده سال دارد میتواند عضو وابسته حزب باشد. شرط مهم دیگر اینست که کسی که میخواهد عضو کانون باشد باید از حقوق اجتماعی محروم نشده باشد کسی که مثلاً جرمی کرده و مجازات شدید شده برای همیشه و یا برای مدت معینی از حقوق اجتماعی محروم میشود این شخص نمیتواند عضو کانون بشود.

این بود آنچه برای شناخت ارکان حزب و دیگر مواد اساسنامه حزب لازم بود گفته شود امیدواریم مورد استفاده واقع شود.